

بر اساس ارزیابی‌ها، حداکثر ۳۰ درصد برنامه ششم محقق شده است. برنامه‌های اول و دوم با سرعت بیشتری پیش رفت. تحرک بالا در حوزه داخلی و خارجی، ویژگی آن دوره بود. مشخصاً برنامه‌های سوم، چهارم و به خصوص پنجم پیشرفت بیشتری داشتند. این پیشرفت نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی‌ها دور از انتظار نبوده و گاستی‌ها بیشتر به بی‌عملی دولت بازمی‌گردد

توسعه‌یافتگی در مقابل توسعه‌نیافتگی، بیانگر وضعیتی است که موجب می‌شود هر کشوری بتواند ظرفیت‌های خود را در زمینه نیروی انسانی، خصوصاً نیروی انسانی نخبه، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ذخایر زیرزمینی و کشاورزی، صنعت، معدن از حالت بالفعل به حالت بالقوه دریاورد و ثروت‌افزایی کند. توسعه موضوعی است که حتی پیش از پیروزی انقلاب نیز مطرح شده بود؛ برنامه توسعه ابتدا ۷ ساله در نظر گرفته شد و سپس به ۵ سال کاهش یافت. تاکنون شش برنامه نوشته شده و تاکنون هدف‌گذاری‌هایی که در برنامه‌ها نوشته شده محقق نشده است. اما شواهد نشان می‌دهد برنامه هفتم توسعه متفاوت از دیگر برنامه‌هاست و هدف‌گذاری‌ها و سیاست‌های کلی آن به دور از شعار و آرزونویسی است. در همین راستا با یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به گفت‌وگو نشستیم.

غلامرضا مصباحی مقدم، سیاستمدار و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است و هم‌اکنون ریاست کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی مجمع را برعهده دارد. وی به عنوان یکی از اعضای مجمع تشخیص در تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه نقش جدی داشته است. در ادامه گفت‌وگوی «ایران» با ایشان را می‌خوانید.

#### برنامه‌های توسعه چه مسیری را برای رسیدن به برنامه‌های فعلی پیموده‌اند؟

۱۰ سال پس از پیروزی انقلاب به دلیل شرایط جنگ، بدون برنامه بودیم. بعد از جنگ، اولین برنامه ۵ ساله را تدوین کردیم. تاکنون ۶ برنامه تصویب و اجرا شده است.

برنامه اول یا برنامه سازندگی در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی آغاز شد. احیا و بازسازی زیرساخت‌های تخریب‌شده در طول جنگ و شهرهایی که مورد حمله هوایی قرار گرفته بودند، در دستور کار قرار گرفت و تقریباً به اهداف خود نیز رسید. علاوه بر این برخی زیرساخت‌ها در آن دوره شکل گرفت مانند صنایع فولاد، پتروشیمی، آلومینیوم و تعداد شایانی سدسازی و توسعه بنادر و ریل راه‌آهن انجام شد. برنامه‌های دوم و سوم تقریباً شامل تکمیل بازسازی‌ها و اصلاح زیرساخت‌ها بود. جهش اقتصادی رخ نداد ولی رشد اقتصادی ۴ درصد از نتایج این دو برنامه به‌شمار می‌رود؛ البته هدف‌گذاری در برنامه‌های ۵ ساله، میانگین ۸ درصد است. برنامه‌های چهارم و پنجم، هر کدام یک سال و ششم دو سال تمدید شده است. به عبارت دیگر به جای ۵ سال، این دو برنامه، ۷ سال به طول انجامیدند.

برنامه ششم هم‌زمان با دهه ۹۰ و رشد اقتصادی نزدیک به صفر بود. حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از سرمایه مستهلک شده، جبران نشد؛ مانند ساختمان‌ها و کارهای زیربنایی. در واقع از نظر اقتصادی این یک عقب‌گرد محسوب می‌شود. در حال حاضر با برنامه هفتم مواجهیم که در دستور تدوین در دولت است. این برنامه اگر به مجلس شورای اسلامی راه یابد و تصویب شود، شاهد اجرا شدن آن از سال ۱۴۰۳ خواهیم بود.

انتظارات ما برای دست یافتن به توسعه محقق نشد اما با نگاهی دقیق به این ۶ برنامه، مخصوصاً برنامه‌های اول تا پنجم، می‌توان گفت که تا حدودی اهدافی که در زمینه بهداشت و درمان، توسعه راه‌ها، بنادر، پتروشیمی، فولاد

و پالایشگاه‌ها داشتیم، به ثمر رسیده‌اند.

#### مانع و مشکل اصلی را در رسیدن به اهداف چه می‌دانید؟ آیا برنامه‌ها بیش از توان دولت بودند؟ آیا ضمانت کافی وجود نداشت؟

مسئله بزرگ در دهه ۹۰، تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران بود. توجه دولت به این مسئله بسیار زیاد بود و دولت تمام توان خود را صرف مذاکره و رفع تحریم‌ها کرد. همین توجه باعث شد برنامه‌های فارغ از مسئله تحریم و مذاکرات به کنار گذاشته شود.

دولت قبل هر حرکتی را منوط به حل مشکل روابط بین‌المللی و بهبود روابط با آمریکا و اتحادیا اروپا کرد. علاوه بر این، بنگاه‌های اقتصادی به تابعیت از دولت، حالت صبر و انتظار داشتند؛ یعنی در سرمایه‌گذاری تعلل می‌کردند تا مذاکره به نتیجه برسد و این موضوع باعث شد سال‌ها تلف شود.

بدبینی آمریکا و بی‌عملی اروپا باعث شکست در این برنامه شد. پس از این هم شاهد اقدام خاصی از جانب دولت نبودیم تا خود را از چنین وضعیتی خارج کند و بتواند بر روابط با سایر کشورها اتکا کند؛ خصوصاً چین، روسیه، هند، کشورهای آسیای میانه و امثال این‌ها. اگر چنین رویکردی از آغاز دهه ۹۰ وجود می‌داشت، حتماً از نظر رشد اقتصادی و توسعه، به نتایج متفاوتی دست پیدا می‌کردیم.

بر اساس ارزیابی‌ها، حداکثر ۳۰ درصد برنامه ششم محقق شده است. برنامه‌های اول و دوم با سرعت بیشتری پیش رفت. تحرک بالا در حوزه داخلی و خارجی، ویژگی آن دوره بود. مشخصاً برنامه‌های سوم، چهارم و به خصوص پنجم پیشرفت بیشتری داشتند. این پیشرفت نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی‌ها دور از انتظار نبوده و گاستی‌ها بیشتر به بی‌عملی دولت بازمی‌گردد.

در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، برنامه‌های اول و دوم اجرا می‌شد. در آن سال‌ها رئیس‌جمهور سفرهای خارجی بسیار زیادی می‌رفت. حدود ۴۰ میلیارد دلار تأمین مالی خارجی صورت گرفته بود که ما نتوانستیم به موقع تسویه کنیم. هیأتی از طرف دولت برای مهلت‌خواهی به مراکزی که به ما وام داده بودند، اعزام شد و موفق شدند زمان را تمدید کنند و برای پرداخت بدی‌ها فرصت بگیرند.

#### ضمانت اجرایی چقدر مؤثر بود؟

ضمانت اجرایی فوق‌دولت وجود ندارد؛ البته نظارت‌های مجلس شورای اسلامی هست و مجلس باید نظارت و مطالبه کند، همچنین پیشرفت برنامه‌ها را زیر نظر داشته باشد. البته تا حدود زیادی مجالس این دوره‌ها، اقتدار لازم را نداشتند. در کل مهم دولت است؛ زیرا کسی که در میدان است و باید مجری باشد دولت است. اگر قوت لازم برای اجرایی شدن در دولت نباشد، نمی‌توان انتظار داشت که از طریق نظارت‌های مجلس کار به جایی برسد.

#### مهم‌ترین بخشی که در برنامه ششم محقق نشد، کدام بود؟

بخش آب و برق بود. ظاهراً در این برنامه باید ۱۰ امگاوات، به تولید برق اضافه می‌شد، که نشد. آبرسانی به خوزستان، همدان، سنندج و شهرها و روستاهای اطراف به صورت گسترده در این برنامه بود، که محقق نشد. انتقال آب از خلیج فارس به شهرهای نزدیک به کویرمانند